ف، هیرمند

۲۰۱۷/۰۳/۰۷

تبعیض جنسیتی و زن ستیزی

به مناسبت هشتم مارچ روز همبستگی زنان

امسال و سال پار درجۀ خشونت و بد رفتاری در برابر زن جامعۀ افغانی، در حد طاقت فرسا و دهشتناک آن رسیده است، که از تیر باران و کشتن و تکه تکه کردن، تا حلق آویز کردن، تا قطعه قطعه کردن با تبر و با بیل گرفته تا پرتاب کردن او از بلند منزل ها به پائین، تا تجاوز انفرادی و گروپی، تا شکنجه و قفل و زنجیر، تا قطع اعضای بدن مثل بریدن گوش و بینی، تا فروختن و تجارت او همانند یک شی، تا به شلاق کشیدن و لت و کوب، تا آزار و اذیت او در خانه و برون خانه، تا او را محروم دانستن از تمام حق انسان بودن و.... ارتکاب می یابد، در این جا از هر نقض کرامت انسانی زن و هتک حرمت او در جامعۀ افغانی یاد آوری کنیم بازهم حقایق تلخ و تلخ تر و زهر آلود دیگری می ماند که گفته نه شده است. زن جامعۀ عقب مانده، مشخصه های انسان مستعمره نشین را از دوران های دور تا امروز با خود حمل میکند، استعمار شاید رفته و به گور سپرده شده است اما زن بیچاره همان مستعمره نشین مانده است، جایگاه زن در جامعۀ عقب مانده سخت زننده و غیر عادلانه می باشد.

این رفتار های زشت در برابر زن خیلی فرا تر از جو و مرز های "حقوق زن" ، "برابری جنسیتی زن و مرد" و جلو گیری از "زن ستیزی" می باشد، وقتی ما سر به گریبان خود کرده و می بینیم که در کجای از پله و پته های زینۀ تکامل "حقوق زن" و حرمت گزاری به او قرار داریم، در می یابیم که نام بردن از "حقوق زن" و "مدرنیزه کردن موقعیت او در جامعه" و "سهم دادن اش در مدارج ادارۀ جامعه" و چیزی های خوش نام و نشان دیگری برای او افسانه های رمانتیک و رویایی اند که در عمل وقوع شان مثل طلوع آفتاب در نیمه شب باشد .

شاید ما بتوانیم از آزادی های که وسایل تحقق آنها همگانی نه شده است، آزادی های نیم بند و یا زودرس، آزادی های فرضی که روی کاغذ مانده اند وهم شاید از آزادی های که مرز شان به صورت روشن با اسارت و در بند بودن مشخص نه شده اند و یا هم آزادی های که بعضاً به اثر عدم فهم حقیقت شان به نقصان و ضرر منجر شده اند، فهرستی ارائه بدهیم.

می بینم که پیش شرط داشتن "آزادی" برای رعایت "حقوق" انسان، مستلزم امکانات متعدد است و وجود هریک این دو(آزادی و حقوق) به حضور دیگر آن، منوط و مشروط می شوند، آزادی ضامن حقوق است، بدون آزادی، قابلیت و یارای "مستحق بودن" حضور نمی یابد، بدون وجود حقوق، آزادی و حوزۀ آن از تشخیص باز می ماند، در ساحه ای که آزادی نباشد، حقوق غیر قابل تشخیص می شود.

ولی به هر صورت نمی توان از عطر خوش آزادی و فضای بالنسبه بازی که بعد از سقوط طالب ها به وجود آمد، چشم پوشی نمود؛ آزادی های که اما پایۀ مرد سالانه داشته اند، آزادی های که برای اعمال آن، ابزار ها و ساز و سامان اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی معینی ضرورت بوده است، و می توانسته صرف برای همان گروه های که صاحب و مالک این ابزار ها و امکانات گردیدند، میسر باشد و این آزادی ها و حقوق فراهم آمده از آن به صورت نیم بند و گاهی بدون تعریف و غیر معیاری در خدمت همین گروه ها قرار گیرند. این وضعیت حکایت از آن دارد که آنچه که بنام تأمین حقوق زن طی این مدت مطرح گردیده است، نتوانسته حتی به دسترس بیشتر از ده فیصد خواهران ما در کشور قرار گیرد، این حقوق لوکس و گران قیمت زن، صرف در اختیار همان های بوده که قادر به پرداخت بهای آن بوده اند. به همین سبب است که در جامعۀ ما "تبعیض جنسیتی" و "زن ستیزی" بازهم وجود داشته و در جریان است و حتی بیشتر از گذشته قربانی می گیرد، شناخت دقیق این دو تمایل ضد انسانی "تبعیض جنسیتی" و "زن ستیزی" ما را مدد خواهد کرد تا بدانیم که چگونه بر علیه آن مجادله نمود.

تبعیض جنسیتی

تبعیض جنسیتی یا جنسیت زدگی یا سکسیزم (sexism): به تعبیر و مفهوم آن است که جنس دیگر را پَست تر تعریف کرده و آن جنس را به درجۀ دوم قرار دهد که در نهایت آن، به تبعیض منفی نسبت به یک گروهی از انسان ها منجر میگردد که این تبعیض و نابرابری بر پایۀ هویت جنسیتی آنان استوار می باشد، این کج اندیشی جنسی، معمولاً به شکل بدبینی و نفرت نسبت به زنان از سوی مردان و برعکس آن وجود داشته است، تأریخ شاهد است که

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

تبعیض جنسیتی به صورت عمده از سوی مردان برعلیه زنان و دختران، به نحوی از زمانه های دور تا امروز طی طریق کرده است.
در زندگی روزمره تبعیض جنسیتی مسبب آن می شود تا زنان نتوانند، به صورت عادلانه در جایگاه اصلی و معیاری شان قرار گیرند، نگاه حقارت بار به زن باعث می شود که زن، "کوتاه فکر" ، "ناتوان"، "ضعیف"، "بی استعداد"، "کم عقل" و "کمزورتر" از مرد شناخته شود، چنین نگاهی زن را همیشه محتاج و زیر دست مرد قرار می دهد، این طرز تلقی ظالمانه در حوزهٔ زندگی تولیدی و اقتصادی منجر به آن میگردد که زن از استخدام در پُست ها و در امور و فعالیت های مهم، بزرگ و سرنوشت ساز محروم گردد، یا بعضاً حتی در جوامع پیشرفته تا حدود زیادی سعی می کنند زن را استخدام نه کنند و استخدام آنرا پُر خرج میدانند، به همین بهانه قمیت فی ساعت کار زن را به مقایسهٔ قمیت فی ساعت کار مرد چند فیصد کمتر می پردازند، و دلیل می آورند که مجبور اند به زن معاش دورهٔ زچه گی و تأدیات مخارج زایمان او را بر عهده گیرند، در حالیکه این سرمایه داران حین ملاحظهٔ بیلانس فعالیت شان، تمام مصارف اضافی تولیدی را از وجوه مالیاتی وضع و یا کم میکنند که به این صورت علتی باقی نمی ماند به زنان معاش کمتر از مردان را بدهند.
و اما **«زن ستیزی»** :
زن ستیزی را می توان اتخاذ موضع خصم نسبت به زن تشخیص کرد، زن ستیزی یعنی زن را دد و دشمن تعبیر و تلقی کردن، این طرز نگا ه به زن و تعیین موقف او عمر طولانی دارد و محصول برجسته، عمده و هویتی جامعهٔ مرد سالار است، از زمانی که بنیاد جامعه و تأریخ جامعهٔ انسانی به صورت "مرد سالاری" در آمد ریشهٔ هویت خود را از به انقیاد کشیدن و دشمن تراشیدن زن میگیرد، برای آن که زن را اسیر کرد و دست و پای او را بست، لازم بود بخش های اساسی حقوق او را از وی سلب و حذف نمود و برای ا ین به بند کشیدن زن، نیاز بود او را "دد" و "دشمن" معرفی کرد، در هر جنگی او را کنیز ساخت، از به دنیا آمدنش شرمسار گردید، و نوزاد دختر را زنده زنده به گور مدفون ساخت، او را فروخت، به "بد" داد و وقتی شوهرش مُرد او را به برادر شوهر بخشید ومی توان از او چند تا داشت؛ چند تا زن داشت، و در زندگی روزمره می توان او را لت و کوب کرد تحقیر نمود وهر عمل زشت دیگری را در برابر او دریغ نه ورزید. زن ستیزی در هیأت مجرمانهٔ آن به صورت تجاوز جنسی، آزار و اذیت جنسی و انواع خشونت جنسی متبارز میگردد زن ستیزی نوع خشن و افراطی "تبعیض جنسیتی" است، همان " جنسیت زدگیِ خصمانه که به شکلِ سلطه‌جوییِ مردسالارانه و باورهای تحقیرآمیز خود را نشان می دهد و موضوع مرکزی آن صراحتاً این است که مرد جنسِ برتر است و باید قدرت را در اختیار داشته باشد، به عبارتِ دیگر همان نگاهی که زن را «ضعیف» می‌بیند ."
یک نوع جنسیت زدگی خیرخواهانه هم وجود دارد:
این گونه جنسیت زدگیِ نگاهی ملایم تر نسبت به زن دارد و زن را موجود زیبا و شکننده می‌بیند که باید از او حمایت کرد. با این حال، زنان باید همان نقش‌های محدود و کلیشه یی را بپذیرند و دنباله رو باشند. به عبارتِ دیگر؛ همان نگاهی که زن را «جنسِ لطیف» می بیند. بهترین نمونه برای جنسیت زدگیِ خیرخواهانه، تصویرکردنِ زنِ ایده آل به عنوانِ همسر و مادر و موضوع عشقِ رمانتیک است. افرادی که چنین نگاهی دارند به زنان زیاد کمک می‌کنند و با آنها روابطِ صمیمانه و دوستانه دارند. جنسیت زدگیِ خیرخواهانه نگاهی مثبت تر از جنسیت زدگیِ خصمانه به زنان دارد، اما در یک نکته با آن شریک است. اینکه زن موجودی «ضعیف تر» است و برای حفظِ ساختارِ قدرتِ مردانه این نگاه را توجیهی مناسب می بیند برای اینکه زن بهتر *است به وظایف خانگی رسیدگی کند* .دو استادِ روانشناسی،"پیتر گلیک" و پروفسور"سوزان فیسک"با پرسش نامهٔ خود جنسیت زدگی را در ۱۹ کشور بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در تمام آنها جنسیت زدگی خصمانه در مردان بیشتر از زنان است، اما در جنسیت زدگی خیرخواهانه اینطور نیست.[1]
روان شناسانِ فمینیست نگاهی بسیار منفی به جنسیت زدگیِ خیرخواهانه دارند. مثلاً وقتی مردی زنی را غرق در عواطف می کند یا به او می گوید که نمی تواند بدون او زندگی کند، این رفتار را جنسیت زده می دانند. آنها معتقدند که این اعمال برای حفظ و دوامِ اجتماعی است که زنان در آن جنسِ آسیب پذیر باشند و در آن بی‌عدالتی و نابرابری برقرار باشد.
گرچه این درک بعضاً – و نه همیشه – می تواند به مشاهده برسد، ولی خصلت طبعی روابط زن و مرد بر همین قاعده استوار است که مرد به زن حرمت بگزارد به او ابراز عشق کند و گاهی او را چنان بخواهد که معنی زندگی مرد حس گردد، این عواطف و احساسات خالص و پاک مرد که نسبت به زن خواهد داشت اگر تعبیر افراطی فمینیستی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

گردد، در واقع خلاف عادات طبعی این دو جنس خواهد بود؛ لطافت، نرمش، مهربانی، رواداری و دیگر خصایل نیک انسانی که در زن بیشتر در تجلی است اگر مورد تحسین و توصیف قرار گیرد، نباید به آن چنین تعبیر خشن را داد که گویا مرد زن را در سیمای "ضعیفی" نگریسته است. شاید وجود چنین تعبیراتی از عادات ناپسند "فمینیسم افراطی" است که مورد انتقاد بسیاری می باشد.
ما در جوامع دیگر نگاه تبعیض مثبت به حقوق زن نیز داریم که برای رفع جدی نابرابری و جبران وضعیت های نامساعد زن در گذشته و نیز حمایت مشهود از حقوق زن، به زنان امتیازات استثنایی قایل میگردند، در تعیین پُست های کاری وغیره این تبعیض مثبت به عمل می آید؛ مثلاً بعضی از دولت ها برای تحقق تبعیض مثبت به نفع زنان، به استخدام آنان در پُست های نظامی و در کار های شبانه (شبکاری) اقدام کرده اند، ولی مسؤلیت های وسیع فامیلی زنان یکی از علل شرکت نه کردن آنان در شبکاری ها خواهد بود. و یا حکومت ها سعی نموده اند تا آمریت بسیاری از بخش ها را به زنان بگذارند، در کشور فرانسه قوهٔ قضائیه و وزارت عدلیهٔ آن تقریباً به دست زنان است، وکلای مدافع و بخش مهمی از پولیس عدلی نیز در اختیار زنان می باشد.
به منظور محو "زن ستیزی" لازم است زنان درمبارزات منظم و سازمان یافتهٔ خود که توسط خود شان اداره و سوق داده می شود، بالای قوه های مقننه و قضائیه فشار لازم را استقامت بدهند تا با قوانین قاطع ولی قابل تحقق و وسائل قانونی در برابر اعمال زن ستیزانه از زن و حقوق او مواظبت و حمایه نمایند، ولی از همه اولتر زن و سازمان های مدافع حقوق او باید آگاهی لازم از این طرح و اجرای آن را داشته باشند تا هر روش و رویهٔ زن ستیزانه را تشخیص کرده بتواند، به همین ترتیب مجادله علیه تبعیض جنسیتی نیز مقتضی شناسایی جزبه جز و دانه دانهٔ حرکت ها، برخورد ها و پیشامد های تبعیض آمیز مردان در برابر زنان ا ست که باید جلو آن را گرفت، اما این عملیه بازهم نیاز به یک شناخت و اگاهی از پیشامد های تبعیض آمیز و نحوهٔ مبارزه علیه آنرا لازمه دارد، که از زنان می خواهد تا خویش را به این سطح آگاهی و طریق اجرای صحیح مبارزه برعلیه تمایلات تبعیض آمیز و تمایلات زن ستیزانه برسانند، این راه مجادله راه دور و دراز، سخت و طاقت فرسا خواهد بود، که توقع حوصلهٔ فراخ را از خواهران ما می خواهد. این مبارزه به هدایت خود زنان و به همکاری مردان باورمند به حقوق واقعی زن دنبال خواهد شد. ان شاء الله

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ